

## بررسی مورد پژوهانه گزارش رشر از منطق دوره اسلامی

احد فرامرز قراملکی  
استاد فلسفه دانشگاه تهران

گزارش نیکولاس رشر از علامه حلی و آثار منطقی وی در کتاب سیر تحول تاریخ منطق عربی<sup>۱</sup> بسیار ناقص است. نگارنده در مدخل «آرای منطقی علامه حلی» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی (زیر چاپ) گزارشی از آرا و آثار منطقی علامه حلی و مکتب وی ارائه کرده است. فرصت یاد کرد از تلاش استاد رشر را مغتنم می‌شمارم تا در خصوص آثار رشر میان آنچه رشر گزارش نموده است و آنچه باید گزارش شود مقایسه‌ای کنیم.

در گزارش رشر آمده است که جمال الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی، دانشمندی عراقی و در درجه اول متکلم، در سال ۶۴۸ق/۱۲۵۰م به دنیا آمد و در سال ۷۲۵ق/۱۳۲۵م درگذشت. او شاگرد نصیر الدین طوسی (۶۷۲-۵۹۸ق) و شارح پرکار آثار وی بود و می‌بایست در نظر طوسی شاگردی ارجمند بوده باشد، زیرا او در پاسخ به سؤالات علامه حلی در مورد منشأ ذائقه، رساله‌ای نگاشته است.

رشر پس از این بیان مقدماتی به آثار منطقی علامه حلی می‌پردازد. او تنها از دو اثر نام می‌برد که عبارتند از: شرح تجرید المنطق که تفسیری بر کتاب طوسی و همچنین به الجوهر النضید معروف است و شرحی بر رساله شمسیه کاتبی قزوینی (۶۷۵-۱۷ق). او ضمناً متذکر می‌شود که هر دوی این کتاب‌ها موجودند. رشر علامه را فاقد هر گونه ترجمه یا کتاب مطالعاتی در غرب معرفی می‌کند. وی در خصوص جایگاه منطقی علامه، چنین می‌گوید که او شاگرد طوسی بوده، به نوبه خود دانشمندان بسیاری را تربیت نمود. کار او در منطق به تبع علائق دیگر او بوده است. با این حال، او حلقه‌ای است در میان زنجیره به هم پیوسته منطق‌دانان مدرسه غرب.

نیکولاس رشر در گزارش خود به همین مختصر بسنده کرده است. دیدگاه وی در باب تعلق حلی به مکتب منطقی غرب قابل نقد است. اساساً تحلیل مکتب منطقی حلی مقاله مستقلی را لازم دارد. وی به لحاظ ساختاری در همه آثارش تابع منطق‌نگاری دو بخشی است و به لحاظ محتوا آمیزه‌ای از مکتب دو بخشی کاتبی و مکتب نه بخشی طوسی است. اما در خصوص آثار منطقی علامه حلی باید گفت: علامه حلی در نگارش آثار منطقی از دانشمندان پرکار است. محمد مهران در ترجمه کتاب رشر و در پاورقی نام دو اثر دیگر از وی را می‌کند که از دید رشر مخفی مانده‌اند. این دو اثر عبارتند از: الاسرار الخفیه و المقاصد. اما آنچه از آثار منطقی علامه باید گزارش شود، بسیار بیش از این تعداد است. ذکر مشروح آثار وی نقص کار نیکولاس رشر و محمد مهران را بهتر نمایان می‌سازد.

آثار منطقی علامه حلی به گروه‌های مختلفی قابل تقسیمند: متن تک‌نگاری با جهت‌گیری آموزشی، متن جامع سه دانش منطق و طبیعیات و الهیات، شرح بر آثار منطقی و محاکمه‌نویسی. نهج العرفان فی علم المیزان که علامه در خلاصه (ص ۴۸) و نیز اجازه از آن نام می‌برد، ظاهراً تک‌نگاری با جهت‌گیری آموزشی است. همچنین است دو رساله الدر المنکون فی علم القانون (ذکر شده در فهرست خلاصه) و نور المشرق (یاد شده در اجازه).

القواعد الجلیة فی شرح رسالة الشمسية شرحی به شیوه قال - اقول بر رساله معروف کاتبی قزوینی است. رساله شمسیه به لحاظ ساختار و محتوی به مکتب منطق‌نگاری دو بخشی قرن هفتم متعلق است. شرح حلی از نخستین شروح این اثر است و شرح‌های معروف دیگر چون شرح قطب رازی و شرح تفتازانی (۷۹۴-۷۲۲ق)، پس از آن تدوین شده‌اند. این شرح از نخستین آثار علامه حلی نیز به شمار می‌رود (پایان ربیع الاخر ۷۹۹ق). روی کرد حلی در این شرح توضیحی و انتقادی است و بسیاری از مواضع کاتبی و فخر رازی (۶۰۶-۵۴۱ق) را مورد نقد قرار می‌دهد. این اثر به اهتمام فارس حسون در قم با مقدمه مفصل در معرفی علامه حلی منتشر شده است.

الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید، شرح به شیوه قال - اقول بر رساله کوتاه‌نوشته نصیر الدین طوسی است. متن مورد شرح از منابع مهم مکتب منطق‌نگاری نه بخشی در سده هفتم به شمار می‌رود. حلی این اثر را پس از ۷۰ق تألیف کرده است<sup>۲</sup> و در آن از دو رساله اسرار و مناهج نام می‌برد. این که حلی بر دو اثر مهم و مؤثر در دو مکتب رقیب نه بخشی و دو بخشی شرح می‌نویسد، به لحاظ تاریخی اهمیت دارد و عدم تعصب وی به یکی از این دو مکتب را نشان می‌دهد. وی شرح بر شمسیه را به درخواست دیگران نوشته است، اما شرح بر تجرید را با علاقه خود تدوین کرده است. این شرح به وسیله محسن بیدارفر در قم منتشر شده است.

الاسرار الخفیه فی علوم العقلیه شامل سه دانش منطق، طبیعیات و الهیات بوده و به سبک اشارات بوعلی تدوین شده است. این رساله از تألیفات اولیه حلی در علوم عقلی است. وی همواره بدان اهمیت داده، در غالب آثارش از آن یاد می‌کند. منطق این اثر به لحاظ ساختاری و محتوایی از اشارات متأثر است. این اثر را می‌توان از استوارترین آثار منطقی حلی دانست که وی با جهت‌گیری تطبیقی بین شارحان اشارات و با نقد میراث پسینیان بوعلی به تبیین مسائل منطقی می‌پردازد. دفاع از آرای ابن سینا و دیدگاه طوسی در این اثر نمایان‌تر است. وی در این اثر، برخلاف اشارات، مواد اقیسه را به صورت مستقل و قبل از قیاس بحث نمی‌کند. طبقه‌بندی مغالطه از حیث سبب، به سبک آثار این دوره، شامل سیزده قسم است، اما حلی در این اثر برای اقسام مغالطه، مثال‌های عینی از معماهای رایج



می‌آورد. وی در این مقام از آثاری چون کشف الحقائق ابهری (۶۶۴-۵۹۷ق) و المنصص کاتبی متأثر است و به سبک آنان معماهای مهمی چون پارادوکس دروغگو را مورد پژوهش قرار می‌دهد. وی در حل همین پارادوکس، راه حل طوسی را اخذ می‌کند، با این تفاوت که آن را از نوع مغالطه «اخذ مابالعرض مکان مابالذات» می‌داند.<sup>۳</sup> این اثر در قم منتشر شده است.

مراسد التدقیق و مقاصد التحقیق همانند اسرار شامل سه دانش یاد شده است. جهت‌گیری مؤلف تلخیص و کوتاه‌نویسی است و تفصیل مباحث را به تحریر الابحاث ارجاع می‌دهد و در مواضعی نیز از نهج العرفان نام می‌برد.<sup>۴</sup> دست‌نویسی از بخش منطق آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با شماره ۲۱۰۳ موجود است. این بخش به اهتمام محمد غفوری نژاد تصحیح شده است. (دانشگاه تهران، ۱۳۸۲). دست‌نویسی از بخش طبیعیات این اثر در کتابخانه فخر الدین نصیری گزارش شده است. دست‌نویس دانشگاه تهران را محمد بن ابی طالب آوی (به سال ۷۱۰ ق) نزد علامه حلی و نیز فرزندش فخر المحققین به درس خوانده و از آن دو اجازه دریافت کرده است. توضیحات حلی و فرزندش در ضمن تدریس این اثر به صورت حواشی بر این سخن نقش بسته است. منطق این اثر در چهار مقصد و هر مقصدی شامل مرصدها و مباحثی تدوین شده است. صرف نظر از برخی تغییرات، ساختار اثر و عناوین و ترتیب مباحث به پیروی از منطق اشارات است. وی به سبک بوعلی در اشارات، بحث از مواد قیاس را قبل از قیاس و به عنوان بحث از ماده قضیه مطرح می‌کند. بسیاری از مباحث کتاب را می‌توان تقریر و توضیح مباحث اشارات و در مواضعی آرای طوسی در شرح اشارات دانست و در مواردی علامه حلی مبنای خاصی را به میان می‌آورد. مهم‌ترین اختلاف این اثر و نیز اسرار خفیه با اشارات، طرح قیاس شکل چهارم است.

تحریر (یا تنقیح) الابحاث فی معرفة العلوم الثلاث، در فهرست آثار علامه حلی و شامل سه دانش یاد شده است. بر این اثر دست نیافته‌ایم.

کشف الخفاء من کتاب الشفاء تلخیصی ناتمام از کتاب ابن سیناست که تنها مدخل و بخشی از مقولات را شامل می‌شود. المحاکمات بین شراح الاشارات به سنت محاکمه‌نویسی بین شارحان اشارات ابن سینا تعلق دارد. دست‌نویسی از بخش منطق این اثر در کتابخانه احمد ثالث ترکیه وجود دارد. علاوه بر این اثر، شروح متعددی نیز از حلی بر اشارات و شرح طوسی بر آن گزارش شده است. در مقاله «اشارات و تنبیهات سرآغاز منطق دو بخشی - آینه پژوهش شماره ۲۴» شرح‌های حلی بر اشارات را گزارش کرده‌ام. این شروح تعلق خاطر حلی به منطق اشارات را نشان می‌دهد. شرح بر تلویحات شیخ اشراق (۵۸۶-۵۵۰ق) نیز در فهرست آثار حلی آمده است. منطق این اثر نیز به سنت منطق‌نگاری دو بخشی پیرو اشارات متعلق است. همچنین است منطق ملخص فخر رازی که شرحی بر آن در فهرست آثار حلی آمده است.

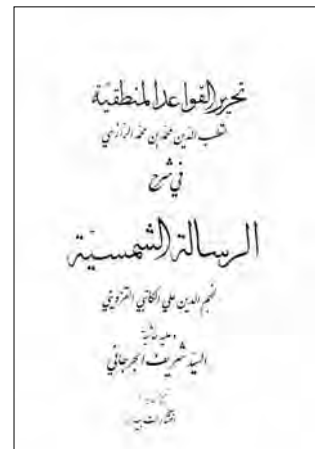
به عنوان توضیحی نهایی باید گفت آثار علامه حلی به لحاظ ساختار به سنت منطق‌نگاری دو بخشی و به لحاظ محتوایی با جهت‌گیری انتقادی به آرای فخر رازی تدوین شده است. در بسیاری از مسائل منطقی دیدگاه طوسی را اخذ می‌کند، اما نمی‌توان وی را پیرو طوسی دانست. اگر چه فروتنانه دست خود را از دانش منطق کوتاه می‌داند.<sup>۵</sup> رهیافت نقادی وی در اسرار خفیه و مراسد التدقیق، منزلت او را فراتر از شارح و به عنوان نظریه‌پرداز در این دانش نشان می‌دهد. شهرت فقهی و کلامی وی بر میراث منطقی‌اش سایه افکنده و مانع کشف این منزلت شده است. رهیافت چند رشته‌ای،<sup>۶</sup> به ویژه روی آورد فقهی و کلامی وی، تأثیر ژرفی بر منطق‌پژوهی او داشته است. پرکاری وی در منطق را می‌توان با رقبای کلامی او، یعنی کسانی چون غزالی، فخر رازی و کاتبی مقایسه و تبیین کرد.

### پی‌نوشت‌ها

#### 1. The Development of Arabic Logic.

۲. اشمیتکه زابینه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ترجمه احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۶۶
۳. الاسرار الخفیه، ص ۲۲۳.
۴. مراسد التدقیق، صص ۱، ۱۰۴، ۱۱۴.
۵. قواعد، ص ۱۸۰.

#### 6. multidisciplinary approach.



دیدگاه وی  
در باب تعلق حلی  
به مکتب منطقی غرب  
قابل نقد است.

آثار علامه حلی  
به لحاظ ساختار  
به سنت منطق‌نگاری  
دو بخشی و  
به لحاظ محتوایی  
با جهت‌گیری انتقادی  
به آرای فخر رازی  
تدوین شده  
است.

